**نام مقاله: پست مدرنيته و علوم كتابداري و اطلاع رساني**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 28 \_ شماره چهارم،جلد 7**

**پديدآور: محمد حسن زاده**

**چكيده**

**پست مدرنيته به عنوان يك وضعيت نوين در عصر حاضر، تغيير و تحول‌هاي زيادي در ديدگاه‌هاي مختلف در زندگي و تفكر بشر به‌وجود آورده و خواسته يا ناخواسته، علوم كتابداري و اطلاع‌رساني نيز به عنوان يكي از علوم اجتماعي در معرض اثرپذيري از اين وضعيت قرار گرفته است. مطالعة چنين وضعيتي، ديد كتابداران و اطلاع‌رسانان را نسبت به وضعيت و موقعيت كنوني و افق‌هاي پيش‌رو، بازتر مي‌كند. مقالة حاضر به دنبال آن است كه تأثير پست مدرنيته و تغييرات اجتماعي حاصل از آن را بر ديدگاه و فعاليت‌هاي مختلف در حوزة علوم كتابداري و اطلاع‌رساني نمايان سازد. بدين منظور، مدرنيته و پست مدرنيته به صورت جداگانه و مختصر معرفي و تأثير هر يك بر علوم كتابداري و اطلاع‌رساني بررسي مي‌شوند. قسمتي از مقاله به رابطة فناوري اطلاعات و پست مدرنيته از يك طرف و پست مدرنيته و آموزش علوم كتابداري و اطلاع‌رساني از طرف ديگر پرداخته است. در نهايت، تفاوت دو ديدگاه مدرنيته و پست مدرنيته در علوم كتابداري و اطلاع‌رساني بحث شده و در پايان پيشنهادهايي ارائه گرديده است. هدف اين مقاله بسترسازي براي مطالعات عمقي و فراگير دربارة ديدگاه‌هاي جديد در اين رشته مي‌باشد.**

**كليدواژه‌ها: پست‌ مدرنيته، علوم كتابداري و اطلاع‌رساني، مدرنيته، آموزش، فناوري اطلاعات**

**مقدمه**

چشمة جوشان تفكر انساني در راستاي شناخت خود و تعامل با محيط پيراموني خود راه‌هاي دور و درازي را پيموده است. هميشه مكاتب فكري به دنبال كشف دنياي پيچيدة انسان و ارتباط آن با دنياي مادي بوده‌اند. به دنبال همين كنكاش فكري و تلاش بشر در راستاي شناخت محيط پيرامون خود، علوم شكل‌گرفته و تلاش‌هاي علمي بنيان نهاده شده‌اند. در وراي هر تلاش انساني يك ايدئولوژي و تفكر خاص را مي‌توان پيدا كرد كه بيانگر نحوة ديد و تجارب قبلي انسان از پديده‌ها است. هر دوره‌اي از تاريخ حيات بشر نيز داراي ويژگي‌هاي خاص خود بوده و تبعات ويژة خود را داشته است و به دنبال آن، طرز تفكر و ديدگاه‌هاي فلسفي، اجتماعي، سياسي و علمي خاص آن دوره شكل گرفته است. به عنوان مثال، بعد از جنگ جهاني دوم و با توجه به نياز جامعة آن دوره به برنامه‌ريزي دقيق و منسجم و به دنبال رشد صنعتي شدن، وضعيت مدرنيته پيش آمد كه با وضعيت سنتي تفاوت‌هايي داشت. تا سال‌هاي متمادي انسان مدرن به دنبال برنامه‌ريزي دقيق علمي و پيروي از نظريات موجود و قانونمندكردن امور بود و طبق اين ديدگاه زندگي مي‌كرد. در اواخر قرن بيستم با توجه به نيازهاي زمان و با شدت‌گرفتن دامنة تغييرات در امور اجتماعي و غيرآن، وضعيت پست مدرنيته در حال جايگزيني با وضعيت پيشين است، كه در بيشتر جنبه‌هاي زندگي انساني و زواياي فعاليت‌هاي وي اثر مي‌گذارد. علوم كتابداري و اطلاع‌رساني نيز از رشته‌ها و نظام‌هايي است كه به دنبال نياز انسان به اطلاعات و دانايي شكل گرفته و ريشه‌هايي در مدرنيته يافته و اكنون در راستاي پاسخگويي بهتر به نيازهاي مراجعان، در معرض وضعيت پست مدرنيته قرار گرفته است. پست مدرنيته همان طور كه بر چگونگي نگاه انسان‌ها به حقايق و مسائل موجود اثر مي‌گذارد، در نظام‌ها و نهادهايي كه پاسخگوي نياز انسان هستند نيز دگرگوني‌هايي پديد مي‌آورد و شكل خاصي به آن‌ها مي‌دهد. پست مدرنيته بر مفهوم اطلاعات، اطلاع‌رساني، ابزارهاي اطلاع‌رساني، آموزش علوم كتابداري و اطلاع‌رساني و مانند آن‌ها اثر مي‌گذارد.

در اين مقاله چگونگي اين تأثيرات و انعكاس آن‌ها در فعاليت‌هاي مختلف كتابداري و اطلاع‌رساني را بررسي مي‌كنيم. براي نيل به اين هدف، مدرنيته، پست مدرنيته و تفاو ت آن‌ها در اثرگذاري و شكل‌دهي به فعاليت‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني، مورد بررسي قرار گرفته است. با توجه به بحث‌ها ممكن است بتوان مسير حركت آتي نظام‌هاي آموزشي علوم كتابداري و اطلاع‌رساني را پيش‌بيني، و پيشنهادهاي لازم را ارائه كرد.

**مدرنيته (نوگرايي)**

قبل از پرداختن به مدرنيته بايد اشاره كرد كه عصر مدرن به حيطة زماني از عصر رنسانس تا اواخر قرن بيستم اطلاق‌ مي‌شود كه در تمدن غربي شكوفا شد. بعضي اوقات عصر مدرن، عصر استدلال نيز ناميده مي‌شود. زيرا اين دوره را با مشخصه‌هايي مانند واقعيت‌ زوال‌ناپذير علم، پيشرفت و عقلانيت مي‌شناسند. از طرف ديگر، ارزش‌هاي عصر روشنگري از قبيل پيش‌بيني، ثبات، حقيقت مطلق، و مفاهيمي مانند آن‌ها، نشانه‌هاي عصر مدرن تلقي مي‌شوند كه اكنون نيز در بسياري از جنبه‌هاي زندگي جوامع مختلف، با درجات متفاوت انعكاس مي‌يابند. درواقع مدرنيته همراه با توسعة دولت سرمايه‌داري گسترش يافت و مدرنيسم، تجربه‌اي براي پيداكردن حقيقت دروني يك موقعيت مشخص است كه مي‌تواند به واسطة خودآگاهي و بازتاب‌هاي آن، شناخته شود (Sarup, 1993).

جامعة مدرن فردي را پرورش مي‌دهد كه معقول، خودبسنده، تمركزيافته و با ثبات است: فرد منطقي و قانون‌مدار، مقتصد حسابگر نظام سرمايه‌داري، شهروند تحصيل‌كرده، [بهره‌مند از] دموكراسي پارلماني، دانش‌آموز داراي نمره در نظام آموزش همگاني. همة اين خصوصيات، نتيجة تعامل بين فرهنگ شهري و تجاري در دل جامعة فئودالي در سده‌هاي ميانه است؛ يعني زماني كه عرف مبادلة كالا، مي‌طلبيد كه افراد به روش‌هاي جديد عمل كنند و سخن بگويند و لازم بود بازرگاناني كه با اشخاص عادي و كاملاً غريبه، و گاهي در فواصل بسيار دور، برخورد داشتند، اسناد مكتوب براي ضمانت قول‌هاي شفاهي در دست داشته باشند و طرز رفتار «اجتناب از آشنايي» را، حتي در هنگام رودررويي با طرف مقابل در پيش گيرند تا فضايي براي حسابگري‌هاي مربوط به منافع شخصي در اختيارشان باشد. با اطمينان مي‌توان گفت كه بتدريج و با غير مستقيم‌ترين راه ممكن، هويتي در بين بازرگانان و ديگران شكل گرفت، هويتي با حس فرديت منسجم و باثبات، كه در قابليت‌هاي معرفتي متكي به نفس، زمينه داشت (پاستر، 1377). بدين طريق بود كه پاية فرهنگي دنياي مدرن نهاده شد. مبنايي كه سرانجام براي پروراندن و اشاعة آن، هويت شهري به رسانه‌هاي چاپي تكيه كرد. بدين‌ترتيب، مدرنيسم به عنوان يك بستر فكري و فلسفي باعث شكل‌گيري نهادهاي مدرن جامعة صنعتي آن دوران گرديد و تعهدات مربوط به پيداكردن واقعيت و معنابخشيدن به تاريخ را نيز به ارمغان آورد.

**پست مدرنيته (پسانوگرايي)**

كلمة «پست مدرن» به زمان تاريخي بعد از عصر مدرن و تغييرات فرهنگي اواخر قرن بيستم اشاره دارد. پست مدرنيته تحت تأثير آراي «نيچه» بوده و نسبت به همه نوع توانايي بازشناسي حقايق، مشكوك است. نظريه‌پردازان پست مدرن، نظام ارزش‌ها و باورهاي عصر مدرن را رد مي‌كنند. آن‌ها بويژه تعهدات، آيين‌ها و علي‌الخصوص توصيف‌هاي كلان و افسانه‌واري را كه تاريخ را با هدف و معنا مرتبط مي‌كنند، زير سؤال مي‌برند (Postmodernism, 1991).

موضوع كانوني در نظرية پست مدرن اين ديدگاه است كه واقعيت، يك ساختار اجتماعي است نه چيزي مستقل؛ واقعيت ساخته مي‌شود نه اينكه پيدا شود (Taylor, 1994). به گفتة «ميشل فوكو»[[1]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ") (1980) پست مدرنيست‌ها چنين فرض مي‌كنند كه هر جامعه‌اي نظام حقيقت و سياست‌هاي كلي خود را دارد. بنابراين با كلماتي مانند اصالت، معنا، حقيقت و مانند آن مخالف هستند، زيرا به باور آنان افراد، جلوه‌هايي از حقيقت را مي‌بينند و براي ديگران خط‌مشي مي‌دهند. افزون بر اين‌ها، كثرت‌گرايي نيز در پست مدرنيته جايگاه خاصي دارد. عناصر برجستة پست مدرنيته عبارت‌اند از: رد افكار، ارزش‌ها و رويه‌هاي مدرنيته؛ رد ادعاهاي شناسايي حقيقت؛ خودداري از جستجوي اصالت؛ رد هرگونه پرسش دربارة شناسايي معاني؛ استقبال از تفاوت‌ها؛ تأكيد بر لذت‌جويي؛ دلخوشي به ظواهر؛ به رسميت‌شناختن خلاقيت؛ و....

پست مدرنيته به بي‌ثباتي، تغيير و انعطاف‌پذيري، و چندگانگي فرهنگي نيز معتقد است و از اين طريق مي‌خواهد به دور از قانونمندي و معرفي حقيقت، پاسخگوي نيازهاي جامعة پست مدرن باشد. در اين ديدگاه، ابرانسان به جاي انسان مطرح مي‌شود. از سردمداران اين ديدگاه مي‌توان به «ميشل فوكو»، «ژان بودريا»[[2]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ")، «جياني واتيمو»[[3]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o ")، «يورگن هابرماس»[[4]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ")، و «هربرت شيلر»[[5]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn5" \o ") اشاره كرد كه هريك به نحوي از ساختارگرايان[[6]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn6" \o ") انتقاد مي‌كنند و واقعيت‌هاي پست مدرنيته را بيان مي‌دارند (وبستر، 1380).

پست مدرنيته در زواياي مختلف حيات بشري مانند موسيقي، تعليم و تربيت، معماري، شهرسازي و مانند آن‌ها نمود پيدا كرده است. كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني و علوم مربوطه نيز از گسترش ديدگاه پست مدرنيته به دور نمانده‌اند.

با بررسي مدرنيسم به عنوان مقدمه‌اي براي دوران پست مدرنيته، تأثير اين وضعيت را بر جنبه‌هاي مختلف علوم كتابداري و اطلاع‌‌رساني مورد بررسي قرار خواهيم داد.

**مدرنيته در كتابداري و اطلاع‌رساني**

با اينكه كتابخانه‌ها از فناوري نوين و نوآوري‌هاي سازماني، در سطح عالي استقبال كرده‌اند، ولي سازمان‌هايي ذاتاً مدرن يا مدرنيست هستند كه ارزش‌هايي مانند نظام‌مندي، قابل اطمينان بودن، پيش‌بيني‌پذيري و عقلانيت را مجسم مي‌كنند. آن‌ها سازمان‌هايي قانون‌مدار و خطي[[7]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn7" \o ") هستند. درواقع اين موارد، نقاط قوت آن‌ها به حساب مي‌آيد (Greenberg, 1998: P. 108). كتابخانه‌ها امر خطير پردازش كارآمد، سازماندهي و دسترس‌پذيرساختن حجم عظيم مواد كتابخانه‌اي را انجام مي‌دهند و اين رويكرد نوين به جهان اطلاعات، صدها سال است كه موفقيت‌آميز بوده. جاي شگفتي نيست كه كتابداران سعي مي‌كنند محيط الكترونيكي را سازماندهي كنند. سادگي، سلسله‌مراتبي بودن و نظم منطقي نظام‌هاي سنتي، مدت‌هاي مديدي ما را در رسيدن به هدف ياري كرده‌اند. در وضعيت مدرن كه با عصر روشنگري همزمان بوده است، كتابخانه‌هاي عمومي در نيمه قرن 19 در بريتانيا شكل گرفتند، طبقه‌بندي بر اساس قطع و جنبه‌هاي زيبايي‌شناختي كتب و منابع اطلاعاتي، جاي خود را به عصر برگه‌آرايي، و رده‌بندي بر اساس اصول منظم و مدوني داد كه به وجود آمدن رده‌بندي‌هاي متعارف (مانند رده‌بندي كتابخانه كنگره، رده‌بندي دهدهي ديويي، و ...) و نظم‌دهي به كتابخانه‌ها بر اساس اصول منظم و مدون از شاخص‌هاي عمده و از نشانه‌هاي بارز اين وضعيت مدرن در كتابخانه است. آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني در دانشگاه‌ها كه توسط «ملويل ديويي» در سال 1876 پايه‌ريزي شد نيز ريشه در دورة مدرن دارد، زيرا آموزش به شيوة دانشگاهي در يك مكان مخصوص، يكي از ويژگي‌هاي مدرنيته است. بنابراين، از لحاظ قانون‌گرايي و سازماندهي دانش، اصول مدرنيته تأثير بسزايي در كتابداري و اطلاع‌رساني داشته است. در عصر مدرن بود كه كتابخانه‌ها داراي ساختمان‌هاي جداگانه‌اي گرديدند كه مخصوص امور كتابداري طراحي شده بودند. در قرن 21 نيز كه كتابداري و اطلاع‌رساني داعية سازماندهي دانش و منابع الكترونيكي را در سر مي‌پروراند جملگي از تأثيرات اصول مدرنيته بوده و بيانگر عمق اين تأثيرات است. درواقع، طرح كتابداري مدرن را مي‌توان با افكار «ديدرو»[[8]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn8" \o ") در مورد دائرة‌المعارف مقايسه كرد كه مي‌خواست تمام دانش پراكندة روي زمين را طوري گردآوري كند كه نسل آينده در ساية دانايي بيشتر بتواند فاضل‌تر و شاداب‌تر زندگي كند. با الهام از افكار و ايده‌هاي متفكر ساختارگرا «كارل رايموند پوپر»[[9]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn9" \o ") نويسندگاني مانند «كمپ»[[10]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn10" \o ") و «بروكز»[[11]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn11" \o ") يك طبقه از دانش مضبوط را درنظر مي‌گيرند كه بيرون از ذهن نويسنده يا خواننده وجود دارد و مي‌توان آن را كدگذاري و ارائه كرد. دانشمندان دانشكدة كتابداري دانشگاه شيكاگو در دهه‌هاي 1920 و 1930 و پيروان آن‌ها بويژه «جس شرا»[[12]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn12" \o ") نيز كتابخانه‌ها را مؤسسه‌هاي پوياي اجتماعي مي‌دانند كه عملكرد آن، سازماندهي و اشاعة دانش است. اين عملكرد دوگانه، كتابخانه‌‌ها و مراكز اطلاع‌رساني را قادر مي‌سازد تغييرات اجتماعي را سرعت ببخشند. كتابخانه‌ها حافظة اجتماعي نوع بشر را نيز تحت قانون و قاعده درمي‌آورند و ذخيره مي‌كنند و به موازات آن، شيوه‌هاي انتقال اين تجارب در بين افراد جامعه و ترويج آن‌ها را به حداكثر مي‌رسانند. به نظر «شرا» اين يكپارچگي به شكل‌گيري رشته‌اي نوين مي‌انجامد كه بر معرفت‌شناسي اجتماعي استوار است؛ به سوي درك بهينه‌اي از نقش دانش در جامعه هدايت مي‌شود و مي‌تواند نظمي به دنياي پر از هرج و مرج فكر انساني تحميل كند و درنهايت، دانش را در خدمت رفاه بشر درآورد (Ray, 2000: P. 11).

همان‌گونه كه مي‌بينيم در دل اين اظهارنظرها گرايش شديدي به سوي قانونمندسازي و تحت قاعده درآوردن وجود دارد. در عصر مدرن، منابع اطلاعاتي اغلب چاپي بودند و صنعت نشر به خاطر صنعتي‌شدن جوامع و رواج شهرنشيني رونق يافت و كتابخانه‌ها براي انتخاب، گردآوري، ذخيره و بازيابي و حتي اشاعة اطلاعات موجود، اصولي را تهيه كردند كه به موجب آن‌ها، مديريت كتابخانه‌ها در واقع مديريت منابع اطلاعاتي را وظيفة اصلي خود مي‌دانست و به لحاظ رسالت روشنگري، سعي در گردآوري منابع اطلاعات گسترده براي هدايت جامعه به سوي آگاهي، سعادت و رفاه داشت. بعدها اين طرز تفكر مورد ترديد و انتقاد و حتي در معرض چالش جدي قرار گرفت و نوعي ديدگاه فراساختارگرايي پديدار شد. همزمان با تغيير نگرش بشر نسبت به مدرنيته و بروز ترديد در مورد حقيقت اشيا و تحولات جاري، ديدگاه‌هاي خاصي شكل گرفته است كه اين مسائل را فراتر از ديد مدرن بررسي مي‌كنند. بخش بعدي مقاله در اين باره بحث خواهد نمود.

**پست مدرنيته در كتابداري و اطلاع‌رساني**

كتابخانه‌هاي امروزي با چالش‌هاي پيش‌بيني‌نشده‌اي روبرو هستند. گام‌هاي غيرقابل پيش‌بيني تغييرات، همراه با سطح فزايندة پيچيدگي و ابهام محيط‌هاي كاري، نوعي بي‌نظمي به وجود آورده است. بزرگ‌ترين و غني‌ترين كتابخانه‌ها تلاش دارند به درخواست‌هاي فزايندة فناوري، مهارت‌ها و خدمات نوين، در قالب بودجه‌هاي روبه كاهش پاسخگو باشند. تغييرات مداوم (كه چالش‌هاي زيادي را براي كتابخانه‌هاي امروزي به ارمغان آورده) در كانون اين مسائل قرار دارند (Jameson, 1998). به اعتقاد «ويليام برگ كوئيست» (Bergquist, 1998)، محيط كنوني تحولات مستمر و غيرقابل پيش‌بيني را نمي‌توان به مثابه يك دورة انتقالي نگاه كرد، بلكه خود يك واقعيت جديد است كه از آن به وضعيت پست مدرنيته تعبير مي‌شود. با اينكه به نظر مي‌رسد قبول اين واقعيت جديد در سطح ذهني آسان باشد، ولي يادگيري طرز مديريت آن به صورت روزانه مشكل است. آنچه كه بعد از اين در مقالة حاضر بحث خواهد شد، تشريح اين ديدگاه در كتابداري و اطلاع‌رساني است. براي اين منظور ابتدا بحث رابطة بين رشد فناوري اطلاعات و ظهور نوعي وضعيت پست‌مدرنيته در كتابداري و اطلاع‌رساني مورد بحث قرار مي‌گيرد، سپس به مسائل آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني در وضعيت پست مدرنيته پرداخته مي‌شود.

**رشد فناوري اطلاعات و پست مدرنيته در كتابداري و اطلاع‌رساني**

رشد و گسترش فناوري‌هاي مربوط به اطلاعات و ارتباطات باعث تغييرات عمده‌اي در ارتباطات بين اشخاص، و شكل‌گيري ساختارها و روند اطلاع‌يابي در افراد جامعه شده است. روند تغييرات اين تصور را تقويت مي‌كند كه دامنة تحولات، وسيع و تا حدودي پيش‌بيني‌ناپذير خواهد بود و در آينده بايد منتظر دگرگوني‌هاي شديد در عرصة ارتباطات و اطلاع‌يابي بود. اين وضعيت را مي‌توان يك وضعيت پست مدرن تلقي كرد كه در وضعيت مدرن سابقه نداشت يا اينكه آهنگ تغييرات، كندتر بود. در اين ميان، كلمة «پست‌مدرن» براي تشريح چرخش مفهومي و بازآيي تصورات مربوط به «حقيقت» و ارتباطات مورد استفاده قرار مي‌گيرد. اين چرخش از مدرنيته (كه در آنجا خطي بودن، منطقي‌بودن و سلسله‌مراتبي‌بودن غالب بود) به وضعيت پست مدرن (كه عدم تمركز، غيرخطي‌بودن و سيال بودن و شفافيت مطرح است)، تغييرات محسوسي را در ديدگاه و فرهنگ به وجود مي‌آورد. در ديدگاه‌هاي پست مدرن، اصطلاحاتي مانند «سايبر كالچر»[[13]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn13" \o ") (فرهنگ اينترنتي)، «حقيقت مجازي»[[14]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn14" \o ") و مانند آن منعكس مي‌شود كه فعاليت‌هاي رايانه‌محور، روابط بين انسان و ماشين آن‌ها را ايجاب مي‌كنند و محيط‌هاي رقومي (ديجيتال) يك نوع حقيقت مجازي متفاوت را به وجود مي‌آورند كه گرايش از منابع چاپي و متن‌گرا به سوي فرهنگ تعاملات پويا، محيط چندرسانه‌اي و فرامتن[[15]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn15" \o ") نيز از شاخصه‌هاي آن مي‌باشند (Turkle, 1999: P. 112). اگر كتاب و كتابخانه مجسم‌كنندة ارزش‌هايي مانند خطي بودن، نظم، سلسله‌مراتب، و ساختار هستند، صفحات اينترنت و وب منعكس‌كنندة ارزش‌هاي پست‌مدرنيته مانند غيرخطي بودن، تساوي ارزش و تصادفي‌بودن مي‌باشند (Greenberg, 1998: P. 106).

يك سازمان پست مدرن بايد در هر لحظه براي قبول شرايط متغير آماده باشد. به نظر «برگ كوئيست» چنين سازمان‌هايي داراي چندين جزء متفاوت مانند مرزهاي نامشخص، ساختارهاي داخلي بسيار انعطاف‌پذير و تعاوني هستند. علاوه بر آن اين سازمان‌ها بر ارتباطات به شكل همزمان و غيررسمي در طول سازمان تكيه دارند. اين جريان آزاد انديشه‌ها به سازمان امكان مي‌دهند به سرعت مشكلات و فرصت‌ها را شناسايي كند و به آن‌ها پاسخ دهد (Bergquist, 1998: P. xiii). بايد اضافه كرد كه جريان آزاد اطلاعات نيز يكي از پيامدهاي پيشرفت فناوري اطلاعات و ارتباطات و تسهيل دسترسي به دانش بشري است كه خود موجب نوعي عدم ثبات و تغييرپذيري در روابط، مناسبات و فرايند انجام امور گرديده است. با اين تفسير مي‌توان رشد فناوري اطلاعات و ارتباطات را يكي از عوامل دخيل در گرايش جامعه از «قطعيت عصر مدرن» به «نسبيت عصر پست‌مدرن» محسوب كرد. اين تغييرات در كتابخانه‌ها نيز بدين صورت شكل گرفته كه مرزهاي مشخص و قابل شناسايي مجموعه و خدمات كتابخانه‌ها به طور فزاينده‌اي از هم پاشيده است و كتابخانه‌ها از يك محيط قابل پيش‌بيني به يك محيط غيرقابل پيش‌بيني و متغير تبديل مي‌شوند كه شبكه‌هاي اطلاعاتي و ارتباطات گسترده نيز از ويژگي‌هاي آن است. البته چنانكه بعداً بحث خواهد شد، اين ازبين‌رفتن مرزها چالش‌هايي را براي كتابخانه‌ها و علوم كتابداري و اطلاع‌رساني به وجود آورده كه راه‌حل‌ها و شيوه‌هاي برون رفت خاص خود را مي‌طلبند. با ظهور اين وضعيت، آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني نيز در معرض تغيير و تحول قرار گرفته است.

**آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني در عصر پست‌مدرن**

پست‌مدرنيته بر چگونگي آموزش علوم كتابداري و اطلاع‌رساني تأثير بسزايي داشته است. شرايط پست‌مدرن كمك مي‌كنند تا احساس ناپايداري و تحول شكل بگيرد. تغيير مرزها و در نتيجه مفاهيم معنايي و ماهوي نيز بر درك افراد از اطلاعات، مصنوعات، مراجعان و خدمات و نوع آن‌ها اثر مي‌گذارند- همان‌طور كه در جدول 1 ديده مي‌شود.

**جدول 1. ويژگي‌هاي منابع در عصر مدرن و پست مدرن**

|  |  |
| --- | --- |
| **منابع چاپي مدرن** | **منابع ديجيتال پست مدرن** |
| **ثابت/ مجموعه‌ها و ويرايش‌هاي مداوم متني** | **پويا/ مجموعه‌هاي چندرسانه‌اي متغير** |
| **منابع يكدست/ استنادات/ ارجاعات** | **گزارمان‌هاي درخواستي به رسانه‌هاي مختلط** |
| **مجموعه‌هاي متمركز محلي** | **دستيابي شبكه‌اي جهاني نامتمركز و گسترده** |
| **برنامه‌هاي هماهنگ در سطح ملي** | **امنيت به‌واسطة رمزگذاري براي منابع جهاني** |

منابع موجود در وضعيت مدرن و پست مدرن از لحاظ محتوايي و شكلي متفاوت هستند. بنابراين مديريت و اعمال نظر بر روي آن‌ها، مهارت‌هاي خاصي را مي‌طلبد كه بايد به شيوه‌هاي خاصي نيز كسب شوند (تغيير در ديگر جنبه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني در جدول 3 نشان داده شده است). به تبع تغييرات به وجود آمده در منابع اطلاعاتي، نوع خدمات و طرز ارائة آن‌ها نيز دچار دگرگوني مي‌شود، كه كتابداران و متخصصان ويژة خود را مي‌طلبد. بدين ترتيب آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني نيز به دنبال انتقال جامعه از وضعيت مدرنيته به پست مدرنيته دچار تغييرات و تحولات عميقي مي‌گردد. از طرف ديگر كتابخانه‌ها و كتابداران بايد ديدگاه نويني را اتخاذ كنند كه با تغييرات و تحولات مربوط به خدمات شبكه‌اي ديجيتال و رسانه‌هاي الكترونيكي همخوان باشد تا جامعه را به سوي دانش‌مداري، كه در اينجا از آن به ديدگاه پست مدرن تعبير مي‌شود، سوق دهند. كتابداران بايد قادر باشند براي تشريح قابليت‌ها و نسل جديد فناوري‌هاي الكترونيكي و تأثير آن بر عملكردها و ساختارهاي مؤسسات، زبان جديد و اصطلاحات نوين و مناسبي را كه عميقاً متفاوت با دوران مدرنيته است، تبيين كنند. در زير به چندين مورد از اين اصطلاحات كه در مقابل اصطلاحات دوران مدرنيته شكل گرفته‌اند اشاره مي‌شود:

امنيت در مقابل دسترسي                                   مالكيت در مقابل استفاده

سانسور در مقابل دانش‌سالاري                         ارتباطات محلي در مقابل شبكه‌هاي گسترده

سكون و ثبات در مقابل راهبري و كشف               مواد چاپي در مقابل مواد چندرسانه‌اي

حقوق در مقابل آزادي                                      و...

درك و تبيين اين تناقض‌ها در مورد مدرنيته و پست مدرنيته، نيازمند شيوه‌هاي آموزشي و نظام‌هاي خاص است تا پاسخگوي نيازهاي افراد جامعة امروزي باشد.

از طرف ديگر، دوران پست مدرن با تأكيد بر سي‍ّاليت و نسبيت، خود دانش را ارزشمند نمي‌داند، بلكه عملكرد دانش را ارج مي‌نهد و اين خود باعث به‌وجودآمدن يك نوع پارادايم (چارچوب نظري) متفاوت در عرصة آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني شده است. اين پارادايم، ارزيابي را در متن آموزش مي‌گنجاند و آزمون‌هاي جامع و به شيوة مدرن را رد مي‌كند. در مقابل، ارزشيابي ميزان يادگيري دانشجو را مساوي با بازخورد مستمر نسبت به بهبود فرايندهاي آموزش مي‌داند.

نكتة قابل توجه ديگر اين‌كه پست مدرنيته توجه به «مديريت منابع اطلاعات» (در دوران كلاسيك) و «مديريت اطلاعات» (درعصر مدرنيته) را به سوي «مديريت دانش» سوق مي‌دهد و در اين راستا علوم كتابداري و اطلاع‌رساني با علوم مديريت، علوم رايانه و مهندسي اطلاعات همگرا مي‌شود و به گفتة «ليوتار»، اطلاعات به كالاي اصلي جامعة اطلاعاتي بدل مي‌گردد و مديريت اطلاعات نه تنها در سازمان‌ها، بلكه در كل جامعه كاربرد پيدا مي‌كند؛ مفهوم دانش در مقام مديريت دانش پست مدرنيته، ديگر به مثابه كالاي ملموس در نظر گرفته نمي‌شود، بلكه بخشي از نظام‌هاي متغير سيبرنتيك[[16]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn16" \o ") شمرده مي‌شود (Muddiman, 1999: P. 17). كتابداري و اطلاع‌رساني مدرن، مجموعه‌اي از ارزش‌ها و افكار مبتني بر طرح روشنگري (از طريق اشاعة دانش عمومي براي اهداف كلان و خط‌مشي‌هاي پيشرفت) را ارائه مي‌داد. ولي مديريت دانش در عصر پست مدرن، چنين تعهدي ندارد و درواقع معتقد است كه دانش كالايي است كه با اهداف رقابتي، كنترل شده است؛ افزون بر آن، مفهوم اطلاعات و دانش، اغلب نسبي و محلي است. دانش بايد بر اساس ارزش استفاده از آن در يك سازمان بخصوص ارزشگذاري شود، نه برمبناي ارزش خود دانش. بنابراين، مديريت دانش بيشتر به گرايش‌هاي پست مدرنيته متمايل است و نه تنها بيشتر روش‌شناسي‌هاي رسمي مدرن را مردود مي‌شمارد، بلكه مقاصد اخلاقي طرح مدرن را نيز نقض مي‌كند و هدف اصلي آن، تحقق عملكردي يك نظام مولد، انعطاف‌پذير و پويا است و آموزش كتابداري و اطلاع‌رساني نيز در اين مورد به پرورش نيروي كار دانش‌مدار به منظور عملكرد بهينه و مطلوب، معطوف مي‌شود. به تعبير ديگر، برنامه‌هاي آموزشي بايد دانشجويان را به دانش مجهز كنند نه اطلاعات؛ زيرا افرادي كه به دانش دست يافته باشند مي‌توانند با تغييرات سازگار شوند.

شايد به همين دليل باشد كه نظريه‌پردازان پست‌مدرن در حوزة علوم اطلاع‌رساني به دنبال تعريف رشته‌اي پايه هستند كه معرفت‌شناسي نوين عصر شبكه‌اي پست مدرن را دربر بگيرد. در اين صورت، توسعة پارادايم‌ شناختي به محور سازگاري علوم كتابداري و اطلاع‌رساني با ديدگاه‌هاي پست مدرن بدل مي‌گردد كه با تبيين و تشريح شيوة كاركرد مغز، به اين نتيجه مي‌رسد كه در دو طرف مدل خطي يا غيرخطي ارتباط، فرايندهاي شناختي رخ مي‌دهند. بنابراين، رويكرد شناختي اين فرايندها را عينيت مي‌بخشد و تلاش مي‌كند با مدل‌سازي آن، به طرح‌ريزي نظام‌هاي اطلاعاتي كاربرمحور بپردازد. هستة اين افكار از «بروكز»سرچشمه مي‌گيرد كه مدعي است ساختار دانش بشري مانند ساختارهاي اطلاعات زيستي، از طريق افزايش اطلاعات، قابل تغيير است (Brookes, 1980: P. 125-133).

به نظر «دروين» (Dervin, 1992: P. 61-83)، چالش اصلي دانشمندان علوم اطلاع‌رساني معاصر، طراحي نظام‌هاي اطلاعاتي كاربر- محور است كه دسترسي به مجراهاي دانش و ارتباطات را نتيجه مي‌دهند. اين امر، از ديدگاهي بيان مي‌شود كه در آن، اقتدار و تنوع موضوعات و موارد مستقل و مركزيت شخص در فرايند تشكيل دانش را ممتاز مي‌سازد. بنابراين، اين ديدگاه‌ها ساختارزا و قانون‌گريز نيز خواهند بود، يعني هر نوع ساختار ازقبل‌تعيين‌شده و قانونمند و مبتني بر اصول معين را رد مي‌كند و انعطاف‌پذيري را سرلوحة كار خود قرار مي‌دهد تا بدين وسيله، ظهور همه نوع مردم‌سالاري خلاق و خودجوش را كه در مفاهيم و ديدگاه‌هاي سنتي و مدرن، پشت مرزها و موانع قانوني وساختاري محو مي‌شدند، ممكن گرداند. «دروين» (Dervin, 1992: P. 50) همچنين بر اين عقيده است كه چنين شبكه‌هايي از مردم‌سالاري و نوآوري، از لحاظ فناوري نيز امكان‌پذير است، زيرا استفادة خلاقانه و مبتكرانه از فناوري‌هاي نوين ارتباطات، براي پشتيباني از اين ديدگاه‌هاي نوين ممكن مي‌شود.

در عصري كه فرامتن به جاي متن مطرح مي‌شود، و شبكه‌ها و متون قابل تغيير انعطاف‌پذير الكترونيكي رواج مي‌يابند، تنها كاربران نيستند كه تغيير مي‌كنند، بلكه شكل خود دانش نيز تغيير مي‌كند. فرامتن با به‌كارگيري گره‌هاي ايجادشده توسط پديدآوران و كاربران، اصول نگارش تك‌نگاشتي را از طريق ايجاد پيوندها (لينك‌‌ها) نقض مي‌كند و مي‌تواند دستيابي عميقي به اجزاي متون ايجاد كند و بدين ترتيب، به كاربران امكان مي‌دهد پديد‌آوران (همزمان) دانش، و ايجادكنندگان و سازمان‌دهندگان شبكه‌هاي دانش باشند. در نتيجه رويكرد نويني به بازيابي اطلاعات ايجاد مي‌شود كه در آن ارتباط بيشتري بين خواننده، متن و پديدآور برقرار مي‌گردد و با ايجاد ارتباط بين چند رسانه‌اي‌ها و فرامتن، يك محيط علمي مجازي و شبيه‌سازي‌شده شكل مي‌گيرد كه در آن، استيلاي اشكال متين دانش در قالب علائم و تصاوير از بين مي‌رود و در عوض تعامل بين پديدآور، دانش و كاربر مي‌تواند در يك فضاي اشتراكي مجازي، توسعه يابد. در شبكة جهاني، چنين فضايي از لحاظ نظري بدون مرز است و براي زيرمجموعة خود، انتخاب و تشكيل مجموعه‌هاي دانش از منابع نامحدود جهاني مانند «وب جهاني»[[17]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn17" \o ") را امكان‌پذير مي‌كند و بعضي از فرضيه‌هاي جهان اطلاعاتي، مدل پردازش اطلاعات را به چالش مي‌كشد. و باز هم درنهايت يك محيط دانش سازماني كاربرمدار يا پست مدرن را تشكيل مي‌دهند كه به سوي كثرت‌گرايي (پلوراليزاسيون) حركت مي‌كند و مخالف فضاي عمومي ماشينيزه، بوروكراتيك و مدرن است (Cornelius, 1996).

افزون بر موارد مطرح شده، ارزش‌ها و پارادايم‌هاي حاكم بر فعاليت‌هاي كتابخانه‌ها نيز در محدوده‌هاي زماني مختلف تغيير كرده. اين پارادايم‌ها نيز هريك باعث تغييراتي در شيوة آموزش علوم كتابداري و اطلاع‌رساني شده است. سير اين تحولات را مي‌توان در جدول 2 مشاهده كرد:

**جدول 2. تغيير گرايش كتابخانه‌ها در طول زمان**

|  |  |
| --- | --- |
| **محدوده زماني** | **ارزش‌ها و پارادايم‌ها** |
| **قبل از 1980** | **منابع يا داشته‌هاي كتابخانه** |
| **1980** | **اصل دسترسي** |
| **1995** | **اصل استفاده** |
| **بعد از 1995** | **آموزش و يادگيري** |

همان‌گونه كه در جدول آورده شده، از نيمة دوم دهة پاياني قرن بيستم، در كتابخانه‌ها پارادايم آموزش و يادگيري شكل گرفته است. اين پارادايم، كتابخانه‌ها را نه به عنوان ناظر فرايند آموزش در جامعه، بلكه به عنوان يك بخش از نظام آموزشي تلقي مي‌كند، كه آموزش و يادگيري نيز با توجه به ماهيت خود، چيزي جز ايجاد تغيير نيست.

**تفاوت‌هاي مدرنيته و پست مدرنيته در علوم كتابداري و اطلاع‌رساني**

همان‌طوري كه بحث شد، دو ديدگاه مدرنيته و پست مدرنيته در مورد علوم كتابداري و اطلاع‌رساني چه از لحاظ مفهوم منابع اطلاعاتي و نظام‌هاي اطلاعاتي و چه از لحاظ آموزش، متفاوت از يكديگر عمل مي‌كنند و علاوه بر آن، در مورد ديگر مسائل مطرح در حوزة كتابداري و اطلاع‌‌رساني نيز با يكديگر همخواني ندارند. اين ناهمخواني‌ها در جدول 3 خلاصه شده.

**جدول 3. وجوه افتراق مدرنيته و پست مدرنيته در علوم كتابداري و اطلاع‌رساني**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **ديدگاه‌ها****مباحث بنياني** | **مدرنيته** | **پست مدرنيته** |
| **منابع اطلاعاتي** | **اتكا به منابع چاپي و نيز استفاده از منابع ديداري و شنيداري** | **تأكيد عمده بر منابع ديجيتال و چندرسانه‌اي** |
| **سازماندهي** | **رده‌بندي‌هاي مرسوم** | **گرايش به سوي نمايه‌سازي (ماشيني) و تفسير اطلاعات** |
| **بازيابي** | **بازيابي بر اساس سرعنوان‌هاي موضوعي و واژگان كنترل‌شده** | **بازيابي از تمام متن و با زبان طبيعي** |
| **مديريت** | **توجه به مديريت منابع اطلاعات** | **مديريت اطلاعات و مديريت دانش** |
| **اشتراك منابع** | **اشتراك دائمي و ثابت براي يك دورة زماني به قصد مالكيت** | **اشتراك موردي و پرداخت براي استفاده و با تأكيد بر دسترسي** |
| **مديريت منابع انساني** | **توجه به تخصص و مهارت‌هاي افراد** | **توجه به هماهنگي بين افراد و گرايش به سوي نظرية سيستمي** |
| **واقعيت** | **چيزي است كه كشف مي‌شود** | **چيزي است كه ايجاد مي‌شود** |
| **ديد اجتماعي** | **قطعيت و نظام‌مندي مفاهيم** | **نسبيت‌گرايي و انعطاف‌پذيري تعاريف** |
| **ساختمان كتابخانه‌ها** | **مطابق با طرح‌هاي زيبايي‌شناختي و معماري هنرمندانه و علمي** | **مدولار است و داراي انعطاف نسبت به نيازها** |
| **تغييرات** | **مقاومت در مقابل تغيير** | **مديريت تغيير و استقبال از آن** |

همان‌طور كه در جدول 3 نشان داده شده، بين اين دو ديدگاه فاصله و تفاوت‌هاي نسبتاً عميقي وجود دارد كه همگي گوياي تغييرپذيري و زواياي متغير ديد انسان نسبت به محيط پيراموني خود مي‌باشند. با تأمل در آنچه كه در جدول بالا آمده، مي‌بينيم كه در همة موارد از منابع اطلاعاتي تا خود مفهوم تغيير، انعطاف‌پذيري در دورة پست مدرن بيشتر از دورة مدرن است. رده‌بندي‌ها، ابزارهاي بازيابي، و مانند آن‌ها همگي بتدريج از چارچوب واحد و تعريف‌شده، بيرون مي‌آيند تا در چارچوبي ديگر (كه درواقع خود، نوعي چارچوب‌گريزي است) با دامنة آزادي بيشتري عمل كنند. اين هم دقيقاً از مصاديق پست مدرنيته است، كه شالوده‌شكني مبناي آن قرار مي‌گيرد. بنابراين، برنامه‌ريزان علم كتابداري و اطلاع‌رساني بايد اين انعطاف‌پذيري‌ها را مورد توجه قرار دهند. «ورسيج» (Versig, 1993: P. 229) معتقد است كه اهداف عمدة اجتماعي در علوم كتابداري و اطلاع‌رساني بايد راهنماي فعالي باشد كه به واسطة موقعيت و كاربرد دانش در جامعة پست مدرن، بر عهدة آن گذاشته مي‌شود و روز‌به‌روز بر اهميت آن افزوده مي‌گردد. «ورسيج» نيز مانند «دروين» (Dervin, 1992) معتقد است كه نقطة شروع چنين فرايندي، درك فعالان فرايند انتقال دانش مي‌باشد. افزون بر آن، او نسبت به تمركز دقيق بر علوم جديد بي‌ميل است و ادعا مي‌كند كه تعريف دوبارة مفاهيم نظري اساسي (مانند نظام، ارتباطات، و نمادها) و ايجاد شبكه‌هاي مختلف و فعاليت‌هاي پيراموني، ضروري است. بنابراين، «ورسيج» مدعي است كه علوم كتابداري و اطلاع‌رساني ممكن است به عنوان علوم پاية اطلاع‌رساني مطرح شود، ولي تنها به شكل ميان رشته‌اي و پساساختارگرايانه[[18]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn18" \o ") است كه مي‌تواند يك نظام راهبردي مفهومي را فراهم آورد تا از اين طريق، پديدة اطلاعات را مطالعه كند. اما اين مطالعه در مسيرها و به روش‌هاي گوناگون صورت مي‌گيرد. بيشتر اين‌ها، نظريه را با عمل در خواهند آميخت و ممكن است تحليل اطلاعات در بستر سازماني، تحليل‌هاي ساختار دانش، ارزيابي فناوري ارتباطات و اطلاعات، و... را نيز شامل شوند. «ويكري» و «ويكري» (Vikery & Vikery, 1987) در مقدمة خود به متون درسي علوم اطلاع‌رساني، نياز مداوم به درك علمي از فرايندهاي انتقال اطلاعات را به عنوان يك فعاليت انساني- اجتماعي مورد تأكيد قرار داده‌اند. در جهان پست مدرن، محدوديت‌هاي ناشي از ريشه‌هاي مدرنيته آشكارتر مي‌گردد. اشغال عرصة مدرنيته با فرماليسم و ساختارگرايي پوپري،[[19]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn19" \o ") توجه به كم‍ّي‌گرايي و رايانش‌گرايي[[20]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn20" \o ") در سطح دقيق‌تر و نقطه‌نظر پيشبردي شناختي، مورد انتقاد قرار مي‌گيرد؛ زيرا انتقال اطلاعات را به عنوان يك عمل اجتماعي و همچنين نظريه‌هاي اجتماعي خلق و استناد به اطلاعات را ناديده مي‌گرفت. علوم كتابداري و اطلاع‌رساني بايد به صورت شفاف اين مشكلات را بيان كند تا بدين وسيله بتواند مقاصد نظري و عملي خود را گسترش دهد. اگر چنين عملي صورت گيرد، ممكن است به عنوان يك رشتة كثرت‌گراي اطلاع‌رساني مطرح شود كه بر موضوع كاربرد دانش در شرايط پست مدرن تمركز دارد. در اين راستا، با رشته‌هايي مانند علوم رايانه، علوم مديريت، و علوم ارتباطات و رسانه‌ها، همگرايي و همكاري خواهد داشت (Ray, 2000: P. 15).

**بحث و پيام واپسين**

فراصنعتي‌گرايي «دانيل بل»[[21]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn21" \o ") و دولت- ملت «آنتوني گيدنز»[[22]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn22" \o ")، سرمايه‌داري پيشرفتة «هربرت شيلر»[[23]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn23" \o ")، مديريت و دستكاري اطلاعات «يورگن هابرماس» و سودمندي اطلاعات «ژان فرانسوا ليوتار»[[24]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn24" \o ") و انديشمنداني از اين دست، همگي نشان از وقوع تغييراتي در نگرش‌هاي مدرنيته و شكل‌گيري نظام فكري و شرايط اجتماعي جديد دارند. مي‌توان ادعا كرد كه نمي‌توان جهان معاصر را بدون آگاهي از مركزيت و ابعاد نشانه‌سازي امور در دنياي كنوني (Baudrillard)، بدون ملاحظة تغييرات به وجود آمده در شكل‌هاي ارتباطي (باستر)، بدون به‌رسميت‌شناختن تنوع و گسترش ديدگاه‌هاي جهاني كه توسط رسانه‌هاي نوين در دسترس همگان قرار گرفته‌اند (Gianni Vattimo) و بدون دقت و موشكافي در اهميت معيار «كاربردي بودن و كالايي شدن قلمرو اطلاعات» (Lyotard) شناخت.

با قبول واقعيت تغيير در جامعة امروزي، شيوه‌هاي عملكرد يك كتابخانه نيز تغيير خواهند كرد. زماني كه يادگيري به يكي از اصول سازماني يك مجموعه، و ارزشيابي نيز به بخش جدايي‌ناپذيري از عملكردهاي روزانه بدل گردد، مي‌توان نتيجه گرفت كه كتابخانه‌ها با مرزهاي ازهم‌پاشيده و محيط‌هاي دائماً در حال تغيير روبرو هستند. در اينجا كل‌نگري و گرايش به سوي آموزش، راه حل مناسبي خواهد بود و كتابداران بايد توصيه‌هاي «جس شرا» را سرلوحة كار خود قرار دهند و به عنوان آموزشگر در عرصة گستردة جهاني وارد شوند. آن‌ها بايد درك مهم خود از ويژگي دانش و يادگيري و شناسايي رفتارها، نگرش‌ها، محيط‌ها، عملكردها و مهارت‌ها را افزايش دهند تا درنتيجه آموزش را به حداكثر برسانند. كتابخانه‌ها نيز همچنانكه حول محور يادگيري و آموزش سازماندهي تمركز دارند، به شريك كامل مؤسسات خود در امور آموزشي تبديل خواهند شد (Shera, 1973: P. 120).

بنابراين، كتابخانه‌ها و كتابداران در عصر پست مدرن در كانون فرايند آموزش جاي مي‌گيرند و برنامه‌ريزي گروه‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني و دست‌اندركاران بايد به اين سو گرايش پيدا كند. در غير اين صورت، پيش‌بيني جايگاه اصلي علوم كتابداري و اطلاع‌رساني مشكل خواهد بود. سخن پاياني اين كه: كتابداري و اطلاع‌رساني در عصر اطلاعات و پست مدرنيته بايد نقطة ثقل و محور تغييرات و نمونة موفق مديريت تغيير باشد. در ادامه پيشنهادهايي به عنوان راهكار ارائه مي‌گردد.

**پيشنهادهاي نظري**

با قبول تغييرات در علوم كتابداري و اطلاع‌رساني به تبع تغييرات جامعه مي‌توان پيشنهادهاي زير را ارائه نمود:

1. در جامعه‌اي كه تغييرپذيري و عدم ثبات و نسبيت روبه گسترش است، نظام آموزشي كتابداري و اطلاع‌رساني مي‌تواند به‌سوي مديريت تغيير و آمادگي براي تغيير گرايش پيدا كند.

2. با گرايش علوم كتابداري و اطلاع‌رساني به سوي كثرت‌گرايي، ارتباط اين حوزه با ساير رشته‌ها مانند مديريت، علوم رايانه، علوم تربيتي، روان‌شناسي، و... اجتناب‌ناپذير است.

3. ورود علوم كتابداري و اطلاع‌رساني به دنياي آموزش و سوق‌دادن برنامه‌ريزي‌ها براي پرورش روحيه آموزشي در كتابداران و اطلاع‌رسانان مي‌تواند ضامن شكوفايي اين رشته باشد، كه توسعة سواد اطلاعاتي در جامعه نيز يكي از اين موارد است.

4. تغيير رويكرد از مديريت منابع اطلاعاتي به سوي مديريت اطلاعات و دانش و توجه به هماهنگي بين افراد (ديدگاه سيستمي) در مراكز كتابخانه‌اي و اطلاع‌رساني به جاي توجه صرف به مهارت‌ها، مطلوب خواهد بود.

**منابع**

پاستر، م. (1377). **عصر دوم رسانه‌ها.** ترجمه غلامحسين صالحيار. تهران: انتشارات موسسه ايران.

وبستر، ف. (1380). **نظريه‌هاي جامعه اطلاعاتي.** ترجمه اسماعيل قديمي. تهران: قصيده‌سرا.

Bergquist, W. (1998). **The postmodern organization: mastering the art of irreversible change**. San Francisco: Jossey-Bass.

Brookes, B.C. (1980). “Foundations of information science: part 1, philosophical aspects”. **Journal of Information Science**. No. 12.

Cornelius, L. (1996). **Method meaning in information studies**. Norwood, New Jersy; Ablex.

Dervin, B. (1992). “From the mind's eye of "user": the sense making qualitative methodology”. In: **Qualitative Research in Information Management**. Edited by: Glazier, J. & Powell, R.. Englwood, conn.: Libraries unlimited.

Foucault, M. (1998). **The archeology of knowledge**. New York: Pantheon.

Greenberg, D. (1998). “Camel drivers and gatecrashers: quality control in the digital library”. In: **The marriage of continuity. Reconfiguring academic information resources for the 21st century**. Edited by: Hawkins, B. & Battin, P.. Washington: council on library and information resourse.

Jameson, F. (1998). “Postmodernism or the cultural logic of late capitalism”. **New Left Review**. No. 146.

Muddiman, D. (1999). “Towards a postmodern context for information and library education”. **Education for Information**. Vol. 17, No. 1.

Postmodernism. (1991). **The Encyclopedia of Sociology**.

Ray, K. L. (2000). “The postmodern library in an age of assessment”. **Monthly Journal of the University of the Pacific**. No. 15.

Sarup, M. (1993). **An Introductory Guide to Post-Structuralism and Postmodernism**. Atlanta: University of Georgia Press.

Shera, J. (1973). **Knowing books and men; knowing computers too**. Littleton: Libraries Unlimited.

Shera, J. (1983). “Librarianship and Information science”. In: **The study of information: interdisciplinary messages**. Edited by: Machlup, F. & Mansfield, U. New York: wiley.

Taylor, A. G.. )1994). “the information universe: will we have chosen or control?”. **American Libraries**. No. 25.

Turkle, Sh. (1999). “Innovation … or instrument drift? The new vocationalism and information and library education in the United Kingdom”. **Education for Information**. No. 12.

Versig, G. (1993). “Information science: the study of postmodern knowledge usage”. **Information Processing and Management**. No. 29.

Vikery, B. & Vikery, A. (1987). **Information science in theory and practice**. London: Butterworths

[[1]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref1" \o ") . Michel Foucault

[[2]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref2" \o ") . Jean Baudrillard

[[3]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref3" \o ") . Gianni Vattimo

[[4]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref4" \o ") . Jurgen Habmermas

[[5]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref5" \o ") . Herbert schiller

[[6]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref6" \o ") . Structuralist

[[7]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref7" \o ") . Linear

[[8]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref8" \o ") . Didro

[[9]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref9" \o ") . Karl Reimund Popper

[[10]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref10" \o ") . Kemp

[[11]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref11" \o ") . Brookes

[[12]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref12" \o ") . Jessy Shera

[[13]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref13" \o ") . Cyber culture

[[14]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref14" \o ") . Virtual Reality

[[15]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref15" \o ") . Hyper text

[[16]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref16" \o ") . Cybernetics

[[17]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref17" \o ") . World Wide Web

[[18]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref18" \o ") . Post structuralism

[[19]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref19" \o ") . Poperian Structuralism

[[20]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref20" \o ") . Computationalism

[[21]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref21" \o ") . Daniel bell

[[22]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref22" \o ") . Antony Giddens

[[23]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref23" \o ") . Herbert Schiller

[[24]](http://128.168.0.10/lib/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref24" \o ") . Jean-Francois Lyotard